



سخن سردبیر

مشارکت حداقلی در انتخابات مطلوب کدام طبقه سیاسی



همانطور که نیک می‌دانیم در دوران گذشته برخی اصحاب قدرت که خود را مالک انقلاب و نظام می‌دانند با ایجاد روندی که منجر به حضور حداقلی مردم در پای صندوق و سپس پیروزی آسان وبدون رقیب آنها در عرصه قدرت شد اکنون نیز با توجه به اینکه انتخابات مجلس پیش روی آنهاست از این رویه استقبال کرده و ماندن در قدرت را با این روش بهتر از تقویت دموکراسی و گردش نخبان و حضور حداکثری همه احزاب سیاسی در ساختار قدرت می‌دانند که این امر باعث تولید ناامیدی محض در اجتماع و گرایش اکثریت مردم به بی تفاوتی به نتیجه صندوق رای با توجه به پیش بینی راحت نتیجه انتخابات ونهایتا تحركات اپوزسیون و عضوگیری از جناح خاکستری اجتماع خواهد شد. لذا بر مسئولین سیاسی و امنیتی و قضایی فرض است که نگذارند قدرت فقط در دست یک جناح چه اصلاح طلب و چه اصولگرا وغیره باشد که این امر امنیت سیاسی و ملی مان را به خطر خواهد انداخت که نگاهی به تحولات گذشته این امر را ثابت می‌کند که مولفه های تصمیم ساز غلط جناح حاضر در قدرت ونبود اپوزسیون درون حاکمیتی نظام اسلامی ومردم را در یک بیراهه قرار داد که با یک معطل کوچک کشور چندین ماه درگیر چالشهای متعدد غیر قابل پیش بینی می‌شود. لذا فکر کردن به این موضوع وتصمیم سازی صحیح برای انتخابات پیش رو امری بسیار مهم است که باید هرچه سریعتر در دستور کار مسئولین امر در حوزه سیاست وانتخابات قرار بگیرد.

آخرین وضعیت HIV در ایران، شناسایی بیش از ۴۶ هزار مبتلا در کشور

راه انتقال حدود ۲ درصد از این موارد مربوط به خون و فرآورده های خونی در سال های پیش از اجرای سیاست پالایش صد در صدی خون سالم توسط سازمان انتقال خون بوده است؛ این در حالی است که در بین مواردی که در سه ماهه اول سال ۱۴۰۲ تشخیص داده شده اند راه احتمالی انتقال در ۱۲.۵ درصد موارد اعتیاد تزریقی، ۵۴.۹ درصد روابط جنسی و در ۳۲.۶ درصد راه احتمالی ابتلا بیان نشده و هیچ مورد ابتلا جدیدی از طریق خون و فرآورده های خونی ثبت نشده است.

منبع: کانال اخبار پزشکی

۱۹ درصد را زنان تشکیل می‌دهند اما الگوی راه انتقال و درصد ابتلای زنان و مردان در سال های اخیر تغییر کرده است به گونه ای که از کل موارد شناسایی و گزارش شده در سه ماهه اول سال ۱۴۰۲، ۲۶ درصد موارد ثبت را زنان و ۷۴ درصد آنها را مردان تشکیل می‌دهند. ۵۵ درصد از کل موارد شناخته شده در زمان تشخیص، در گروه سنی ۲۵ تا ۳۹ بوده اند و ۷۵ درصد از کل موارد شناخته شده در زمان تشخیص، در گروه سنی ۲۰ تا ۴۵ بوده اند و الگوی انتقال سنی در سال های اخیر تغییری نکرده است.

بر اساس اعلام وزارت بهداشت تخمین زده می‌شود که از ابتدای شناسایی ایدز در ایران تاکنون، ۴۶ هزار و ۱۴۵ نفر در کشور مبتلا به اچ‌آی‌وی شده باشند. بر اساس نظام جامع مدیریت داده‌های الکترونیک اچ‌آی‌وی کشور، تا پایان خردادماه سال ۱۴۰۲ از بین افراد مبتلا به اچ‌آی‌وی شناسایی، ثبت و گزارش شده ۲۳ هزار و ۹۰۲ نفر زنده هستند که از این تعداد ۱۸ هزار و ۳۲۶ نفر خدمات مربوط به مراقبت و درمان اچ‌آی‌وی را دریافت کرده‌اند و تعداد ۱۷۳۳۷ نفر تحت درمان قرار دارند. حدود ۸۱ درصد کل موارد ابتلا را مردان و

بحران سودان در طی سال های متمادی

طریق ایجاد نهاد ماموریت سیاسی خاص سازمان ملل در سودان United Mission in Sudan UNMIS انجام شد. شورای امنیت بعد از احراز وضعیت سودان به عنوان تهدید صلح و امنیت بین المللی طی قطعنامه ۱۵۹۰ مورخ ۲۵ مارس ۲۰۰۵ تصمیم به تاسیس نهاد UNMIS گرفت. ماموریت UNMIS عبارت بود از: نظارت و راستی آزمایی اجرای توافق نامه آتش بس و بررسی موارد نقض آن، نظارت بر تحركات و جابجایی نیروهای مسلح در مناطق تحت کنترل UNMIS، کمک به اجرای برنامه خلع سلاح طبق توافق نامه صلح جامع ۲۰۰۵ با توجه به نیازهای زنان، کودکان و کودکان سرباز، کمک به طرف های موافقت نامه صلح جامع در ارتقاء درک فرایند صلح و ایجاد یک کمپین عمومی با همکاری اتحادیه آفریقا برای ارتقاء فرهنگ صلح در جامعه و سایر موارد که مهم ترین آن ایجاد شرایط مسالمت آمیز جهت برگزاری همه پرسی استقلال جنوب تعیین گردید. مهم ترین اقدامات UNMIS شامل فعالیت در امور غیر نظامی، حقوق بشر، برگزاری رفراندوم، پلیس، حاکمیت قانون، حمایت از غیر نظامیان با توجه ویژه به گروه های آسیب پذیر از جمله آوارگان داخلی، پناهندگان بازگشتی، زنان و کودکان بود که منجر به صدور ۲۸

از عضویت در آن نمود. پس از استقلال، حکومت از بریتانیا به ساکنان شمال رسید و جنوبی ها به حاشیه رانده شدند. این نابرابری و تبعیض، به علاوه تفاوت های نژادی و مذهبی ساکنان آفریقایی تبار و سکولار جنوب با حاکمان مرکزی عمدتا عرب و مسلمان باعث نا آرامی های داخلی و خشونت سیاسی در این کشور شد. تا جایی که اختلافات به جنگ داخلی بین شمال (دولت مرکزی) و ناراضیان جنوب کشور و ادعای استقلال جنوب منجر شد. ناتوانی دولت مرکزی در تدوین قانون اساسی مورد اجماع همه گروه ها نیز یکی از علل تداوم جنگ و خشونت در سال های بعد بود. (Johnson, ۲۰۰۳: ۳۰) استمرار جنگ داخلی و خشونت در سودان و وضعیت ناپسامان آوارگان و پناهجویان زمینه ساز اقدامات سازمان ملل متحد و به ویژه شورای امنیت برای ایجاد دو نهاد UNMIS و UNITAMS گردید. در میانجی گری توسط سازمان های بین المللی، مداخله ثالث بر اساس میزان درگیر شدن واقعی و قانونی می تواند شامل طیفی از ارائه پایمردی یا مساعی جمیله، مشاوره و میانجی گری باشد. (Koopmans, ۲۰۱۸: ۱۵۹) مداخله و میانجی گری سازمان ملل برای حل و فصل بحران سودان، در دو مرحله قبل و بعد از تجزیه این کشور انجام گرفت. میانجی گری سازمان ملل متحد قبل از تجزیه، از

در طی سال های متمادی بحران سودان، سازمان ملل متحد اقداماتی میانجی گرانه برای اشتهای طرف های مختلف درگیری و فراهم نمودن شرایط ایجاد و انتقال به حکومتی دموکراتیک انجام داد. این بخش از اقدامات سازمان ملل متحد که در قالب ایجاد دو نهاد بین المللی UNMIS و UNITAMS انجام شده در کشور ما مغفول مانده است. حال آنکه نهادهای فوق الذکر که توسط شورای امنیت و در چارچوب وظیفه اصلی شورا که حفظ صلح و امنیت بین المللی است ایجاد شده اند، اقداماتی در زمینه برقراری ارتباط با طرف های مخاصمه، جامعه مدنی و غیرنظامیان جهت ایجاد شرایط گذار سیاسی مسالمت آمیز و دموکراتیک انجام داده اند. در این نوشتار به معرفی این دو نهاد بین المللی خواهیم پرداخت. ابتدا به اختصار به عوامل بروز بحران و جنگ داخلی در سودان اشاره خواهیم کرد. ریشه جنگ داخلی سودان به تصرف این کشور توسط مصر در ۱۸۳۰ باز می‌گردد. سودانی ها با کمک بریتانیا از سلطه مصر خارج شدند اما دوباره در ۱۸۹۸ سودان به تصرف مصر درآمد. کشمکش های بریتانیا و مصر زمینه ساز استقلال سودان شد. بریتانیا با هدف ادامه سلطه خود بر این کشور، مبادرت به ایجاد شورای مشورتی در شمال سودان و منع جنوب

رأی وحدت رویه قضایی هیأت عمومی دیوان عالی کشور

• رأی وحدت رویه قضایی شماره ۸۳۵ - ۲۸/۰۶/۱۴۰۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

با تصویب قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵) و انحلال دادرسیهای عمومی و انقلاب از نظام قضایی کشور، انجام تحقیقات مقدماتی بر عهده دادگاه بوده و در نتیجه تصریح به «دادسرا» در ماده ۶۵۰ قانون مذکور در مورد شهادت دروغ موضوعاً منتفی بوده است. پس از تشکیل مجدد دادرسیها قانونگذار علاوه بر ماده ۳۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در خصوص دادگاه، در ماده ۲۰۹ همین قانون، در مورد دادسرا نیز به تفهیم حرمت و مجازات شهادت دروغ از سوی بازپرس به شاهد به عنوان یک تکلیف قانونی تصریح نموده و ضمانت اجرای تخلف شاهد از تفهیم موضوع فوق توسط بازپرس با توجه به لزوم تفسیر قانون با هدف کشف مراد مقنن، مجازات تعیین شده در مورد شهادت دروغ در مرحله تحقیقات مقدماتی نزد مقامات دادسرا نیز مشمول ماده ۶۵۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) است. بنا به مراتب، رأی شعبه سیزدهم دادگاه تجدیدنظر استان البرز که با این نظر مطابقت دارد با اکثریت آراء

صحیح و قانونی تشخیص داده می شود و این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور، دادگاهها و سایر مراجع اعم از قضایی و غیر آن لازم الاتباع است. هیأت عمومی دیوان عالی کشور

• رأی وحدت رویه قضایی شماره ۸۳۶ - ۲۸/۰۶/۱۴۰۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

با توجه به اینکه در دعوی اعتراض به رأی داوری، خواهان معمولاً در پی کسب منفعت مالی نیست، بلکه به دنبال ابطال رأی داوری مطابق بندهای ذیل ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۲۱/۱/۱۳۷۹ است، دادگاه پس از رسیدگی چنانچه درخواست را مطابق با یکی از بندهای ماده قانونی مذکور یافت، رأی داوری را ابطال می نماید، به این جهت، اعتراض به رأی داوری اگرچه موضوع اصلی آن مالی باشد، دعوای مالی محسوب نمی شود. بنا به مراتب، رأی شعبه هجدهم دادگاه تجدیدنظر استان تهران که با این نظر

مطابقت دارد با اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص داده می شود. این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی، در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور، دادگاهها و سایر مراجع، اعم از قضایی و غیر آن لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

• رأی وحدت رویه قضایی شماره ۸۳۷ مورخ ۴/۷/۱۴۰۲ دیوان عالی کشور

مطابق اصل یکصد و شصت و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می گیرد. به موجب تبصره یک الحاقی ماده ۴۳ قانون مطبوعات مصوب ۳۰/۱/۱۳۷۹ پس از اعلام نظر هیأت منصفه دادگاه در خصوص مجرمیت یا برائت متهم اتخاذ تصمیم کرده و مبادرت به صدور رأی می نماید. نظر به اینکه حکم تبصره مذکور در مورد تکلیف دادگاه به صدور رأی طبق قانون اطلاق داشته و شامل مجرمیت و برائت متهم می شود و با توجه به اصل یکصد و شصت و

ششم قانون اساسی و ماده ۳۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ رأی دادگاه باید مستدل و مستند به مواد قانونی و اصولی باشد که بر اساس آن صادر شده است. بنابراین در مواردی که نظر اکثریت هیأت منصفه بر بی گناهی متهم باشد، اما دادگاه با لحاظ ادله موجود در پرونده رفتار منتسب به وی را طبق قانون جرم و مستوجب مجازات تشخیص دهد، با عنایت به استقلال قاضی در صدور رأی و تکلیف وی به رعایت قانون ملزم به تبعیت از نظر هیأت منصفه نمی باشد و به استناد قانون، حکم به محکومیت متهم صادر میکند.

بنا به مراتب رأی شعبه بیست و ششم دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد با اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص داده می شود. این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور، دادگاهها و سایر مراجع اعم از قضایی و غیر آن لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

حقوق کودکان و محیط زیست با تمرکز بر تغییرات اقلیمی: نگاهی بر نظریه عمومی شماره ۲۶ کمیته حقوق کودک

کودکان حق دارند از سطح مناسب زندگی برای رشد جسمی، ذهنی، معنوی، اخلاقی و اجتماعی برخوردار شوند؛ و محیط زیست پاک، سالم و پایدار پیش نیاز تحقق این حق می باشد. هرچند امروزه یکی از علل فقر کودکان قرار گرفتن در معرض آسیب های زیست محیطی است و این حق را نقض می نماید.

حق بازی و تفریح کودکان که برای سلامت و تندرستی و رشد همه جانبه آنان ضروری است، با قرار گرفتن در محیط های ناامن و خطرناک، خصوصاً برای کودکانی که در فقر و در مناطق شهری زندگی می کنند، مورد تهدید واقع می شود. همچنین حق کودکان بومی در برخورداری از فرهنگ و محیط بومی به طور نامناسبی در معرض تخریب محیط زیست، آلودگی و تغییرات اقلیمی قرار می گیرد که منجر به آسیب و یا تخریب محیط بومی شده و آنان را از این حق محروم می کند. حق عدم تبعیض نیز تحت تاثیر شوک های زیست محیطی قرار دارد؛ و گروه های خاصی از کودکان از جمله دختران، کودکان دارای معلولیت، کودکان بومی و گروه های اقلیت به دلیل تبعیض های متعدد در برخورداری از حقوقشان که مرتبط با محیط زیست می باشد با موانع بیشتری مواجه هستند.

به دلیل آسیب پذیری خاص کودکان در برابر آسیب های زیست محیطی، تعیین بهترین منافع کودک باید شامل ارزیابی این شرایط خاص باشد. هدف از این ارزیابی برخورداری کامل و موثر از کلیه حقوق مربوط به محیطی امن، سالم و پایدار است. کودکان حق شنیده شدن دارند و باید صدای آنها و دیدگاه هایشان در رابطه با مسائل زیست محیطی به دلیل آثار همه جانبه ای که بر زندگی آنان دارد مورد توجه قرار گیرد. حقوق کودکان برای آزادی

زیست می باشد.

حق حیات کودکان به واسطه آسیب های زیست محیطی قابل اجتناب و چالشهای ناشی از آنها چون فقر و نابرابری مورد تهدید قرار گرفته است و آنها را در معرض مرگ زودرس یا غیرطبیعی قرار می دهد. از طرفی این آسیب ها رشد کامل و همه جانبه کودکان را نیز به خطر می اندازد.

حق بر سلامتی کودکان که شامل دسترسی به خدمات به موقع و مناسب بهداشتی و عوامل اساسی تعیین کننده سلامت مانند: محیط زیست سالم و امکانات، خدمات و شرایط لازم برای تحقق بالاترین استانداردهای قابل دستیابی سلامت است توسط خطرناکی چون آب آشامیدنی ناسالم، بهداشت نامناسب، و آلودگی های خانگی و آلودگی های مرتبط با صنعتی شدن، مورد تهدید واقع می شود؛ و تغییرات اقلیمی و تخریب اکوسیستم ها این خطرات را تشدید می کند. آسیب های زیست محیطی علاوه بر سلامت جسمانی، سلامت روانی کودکان را نیز تحت تاثیر قرار می دهد.

حق آموزش یکی از ارکان رویکرد مبتنی بر حقوق کودک به محیط زیست است؛ و طبق بند (۱) (ث) ماده ۲۹ کنوانسیون آموزش کودک باید در جهت توسعه احترام به محیط طبیعی باشد و ارزش های زیست محیطی را منعکس نماید. به علاوه مواد آموزشی باید اطلاعات محیطی دقیق، به روز و متناسب با سن و رشد کودکان را ارائه دهند و آنان را برای رویارویی با چالش ها و خطرات محیطی آماده کنند. اما این حق به شدت تحت تاثیر آسیب های زیست محیطی که منجر به تعطیلی مدارس و ترک تحصیل می شود، قرار دارد.

امروزه آسیب های زیست محیطی یک تهدید جدی برای نقض حقوق کودکان در سراسر جهان به شمار می آید. افزایش گرمایش جهانی، انتشار گازهای گلخانه ای III و آلودگی های زیست محیطی، سبب تشدید تغییرات اقلیمی و شوک های زیست محیطی بر کودکان شده است. بنابراین بحران های زیست محیطی کنونی و چالش های ناشی از آنها نیازمند تفسیری پویا از کنوانسیون حقوق کودک است تا تمام حقوق تحت کنوانسیون برای کودکان محقق گردد.

کمیته حقوق کودک در این راستا نظریه عمومی جدید خود به شماره ۲۶ را با توجه به بند ۲ (پ) ماده ۲۴ کنوانسیون و با تمرکز بر حقوق کودکان و محیط زیست تنظیم نموده است. کمیته مذکور در این تفسیر رویکردی مبتنی بر حقوق کودک اتخاذ کرده و به اصول حقوق بشر و محیط زیست، به رسمیت شناختن حق بشر برای داشتن محیط زیستی پاک، سالم و پایدار و اصول و تعهدات موجود و در حال تحول حقوق بین الملل محیط زیست توجه داشته است. در این یادداشت، یافته های کمیته را مرور کرده ایم.

تغییرات اقلیمی تحقق بسیاری از حقوق کودکان را تهدید می کند. حق حیات، بقا و توسعه (ماده ۶)، حق بر سلامتی (ماده ۲۴)، حق آموزش (مواد ۲۸ و ۲۹ بند (۱) (ث))، حق برخورداری از استانداردهای مناسب زندگی (ماده ۲۷)، حق استراحت، بازی، اوقات فراغت، تفریح و فعالیت های فرهنگی و هنری (ماده ۳۱)، حق کودکان بومی (ماده ۳۰)، حق عدم تبعیض (ماده ۲)، منافع عالیه کودک (ماده ۳)، حق شنیده شدن (ماده ۱۲)، آزادی بیان، تشکل و اجتماعات مسالمت آمیز (مواد ۱۳ و ۱۵)، دسترسی به عدالت و جبران (ماده ۴) و حق داشتن محیطی پاک، سالم و پایدار از جمله حقوقی هستند که در ارتباط با محیط

بیان، تشکل و اجتماعات مسالمت آمیز خصوصا کودکانی که نظرات خود را در اعتراضات عمومی در مورد تخریب محیط زیست یا تغییرات اقلیمی بیان می کنند، ممکن است مورد تهدید و اقدامات تلافی جویانه قرار گیرد.

در رابطه با حق کودکان در دسترسی به عدالت و جبران خسارت، کودکان اغلب موانع زیادی برای احقاق حقوقشان در زمینه محیط زیست دارند؛ از جمله موانعی چون الزامات محدود کننده قانونی، طولانی بودن فرآیند دعوی قضایی و مراجعه به نهاد های فراملی در صورت مراجعه پیشین به نهاد های داخلی.

کودکان از حق داشتن محیطی پاک، سالم و پایدار برخوردار هستند و عناصر اساسی این حق شامل هوای پاک، اقلیمی امن، اکوسیستم ها و تنوع زیستی سالم، آب سالم و کافی، غذای سالم و پایدار و محیط های غیر سمی برای آنها بسیار مهم است. این حق امروزه با تشدید تغییرات اقلیمی مورد تهدید جدی قرار گرفته است.

کنوانسیون حقوق کودک صراحتا در بند ۲(پ) ماده ۲۴ دولت ها را موظف می کند با توجه به خطرات آلودگی محیط زیست، اقدامات لازم را برای مبارزه با بیماری ها و سوتغذیه اتخاذ نمایند. در همین راستا کمیته حقوق کودک در نظر عمومی مذکور دولت های عضو کنوانسیون حقوق کودک را ملزم می نماید تا تعهدات و اقدامات لازم را در جهت تحقق کامل تمام حقوق کودک ذیل کنوانسیون اتخاذ نمایند.

نخستین تعهد دولت ها تعهد به احترام، حفاظت و تحقق حقوق کودکان با توجه به وضعیت خاص آنها در زمینه محیط زیست می باشد. بدان معنا که کشورها باید محیط زیستی پاک، سالم و پایدار را به منظور احترام، حفاظت و تحقق حقوق کودکان تضمین نمایند. همچنین دولت ها ملزم هستند از نقض حقوق کودکان از طریق ایجاد آسیب های زیست محیطی خودداری نمایند؛ از کودکان در برابر مداخلات مضر زیست محیطی اشخاص ثالث محافظت نموده و از تأثیرات بلایای زیست محیطی تهدید کننده بر زندگی کودکان حتی اگر خارج از کنترل انسان باشد، پیشگیری کرده یا بکاهند. علاوه بر این دولت ها باید گام های ملموس و هدفمندی چون توسعه قوانین، استراتژی ها و سیاست ها را در جهت دستیابی کامل و موثر حقوق کودکان مرتبط با محیط زیست بردارند و حداکثر منابع مالی، طبیعی، انسانی، فناوری و اطلاعاتی را به این موضوع اختصاص دهند.

دومین تعهد دولت ها تعهد به دسترسی به اطلاعات می باشد. دولت ها می بایست اطلاعات مربوطه از جمله علل و اثرات آسیب های زیست محیطی، قوانین، مقررات و سیاست های زیست محیطی را به منظور توانمند سازی کودکان، والدین و مراقبان آنان برای درک آثار بالقوه آسیب های زیست محیطی بر حقوق کودکان فراهم کنند. این اطلاعات باید متناسب با سن و ظرفیت کودکان تنظیم شوند و بر موانعی چون بی سوادگی، ناتوانی، زبان و دسترسی محدود به فناوری اطلاعات غلبه نماید.

سومین تعهدی که دولت ها ملزم به انجام آن هستند، ارزیابی تأثیر مصوبات حقوق کودک در تمام قوانین، سیاست ها، بودجه و سایر تصمیمات اداری مرتبط با محیط زیست است. ارزیابی مذکور باید توجه ویژه ای به تأثیر متمایز اقدامات مرتبط با اقلیم بر کودکان خصوصا گروه هایی که بیشتر در معرض خطر هستند همچون خردسالان داشته باشد و تمام حقوق مربوطه ذیل کنوانسیون حقوق کودک را مد نظر قرار دهد.

تعهد دیگر دولت ها در ارتباط بخش تجاری است. فعالیت های تجاری یک منبع مهم آسیب های زیست محیطی است که منجر به نقض حقوق کودکان می شود. بخش تجاری ملزم به احترام به حقوق کودکان و پیشگیری و رفع نقض حقوق آنان در رابطه با محیط زیست هستند و دولت ها باید اطمینان حاصل کنند که بخش مذکور از جمله شرکت های دولتی این مسئولیت را انجام می دهند. در این راستا دولت ها موظفند چارچوب های لازم را از طریق قوانین، مقررات و نظارت فراهم نمایند و بخش تجاری را ملزم به انجام بررسی های لازم در مورد تأثیرات روابط تجاری و عملیاتی جهانی شان بر محیط زیست و حقوق کودک کنند. همچنین در صورتی که این آثار به کودکان آسیبی وارد نماید باید اقدامات فوری جهت جلوگیری از آسیب بیشتر به سلامت و رشد کودکان و جبران آسیب های وارد شده انجام شود.

علاوه بر این دولت ها بر اساس اصل مسئولیت مشترک اما متمایز متعهد هستند اقداماتی را جهت احترام، ارتقا و تحقق حقوق کودکان به صورت جداگانه و مشترک از طریق همکاری های بین المللی انجام دهند، همانطور که ماده ۴ کنوانسیون بر اجرای کنوانسیون به عنوان یک اقدام مشترک برای کشورها جهت تحقق کامل حقوق کودکان تأکید می کند. در این راستا کشورهای توسعه یافته باید از کشورهای در حال توسعه از طریق کمک های فنی و مالی لازم چون تسهیل انتقال فناوری های سبز حمایت نمایند. همچنین دولت ها باید با حسن نیت در ایجاد یک واکنش جهانی برای رسیدگی به خسارات و آسیب های ناشی از اقلیم که آسیب پذیرترین کشورها متحمل می شوند همکاری کنند و توجه ویژه ای به حفاظت از حقوق کودکان با در نظر گرفتن آسیب پذیری خاص آنها در برابر خطرات مرتبط با اقلیم داشته باشند.

علاوه بر تعهدات ذکر شده، کمیته حقوق کودک رهنمودهای معتبری را نیز در مورد اقدامات قانونی، اداری و سایر اقدامات دولت ها با توجه به تغییرات اقلیمی و مسائل زیست محیطی ارائه می دهد. از جمله در رابطه با تعهد احترام، حمایت و تحقق حقوق کودکان، دولت ها می توانند تدابیری که شیوه تولید و مصرف را به سمت پایداری از نظر زیست محیطی هدایت می نماید و تاب آوری کودکان را تقویت می کند، اتخاذ نمایند. علاوه بر این، حق کودکان برای داشتن محیطی پاک، سالم و پایدار را در قوانین ملی خود بگنجانند و اطمینان حاصل کنند که رویکرد مبتنی بر حقوق کودک در تمام تصمیمات و اقدامات زیست محیطی

مرتبط با کودکان از جمله سیاست های مربوط به آموزش، اوقات فراغت و سلامت کودکان مد نظر قرار می گیرد.

همچنین با توجه به تشدید تأثیرات ناشی از تغییرات اقلیمی، طراحی اقدامات فوری در جهت سازگاری کودکان ضروری می باشد. دولت ها باید آسیب پذیری های کودکان را در دسترسی، کیفیت، برابری و پایداری خدمات ضروری چون آب و فاضلاب، مراقبت های بهداشتی، تغذیه و آموزش شناسایی کرده و اطمینان حاصل نمایند که برنامه های ملی و سیاست های اجتماعی، زیست محیطی و بودجه ای موجود، سازگاری کودکان با اثرات اجتناب ناپذیر تغییرات اقلیمی را تامین می نماید. اقدامات مرتبط با سازگاری کودکان باید نظرات کودکان را در برگیرد و بدون تبعیض در مورد تمام گروه های کودکان اعمال شود.

علاوه بر اقدامات مرتبط با سازگاری کودکان، اقدامات دولت ها برای کاهش اثرات تغییرات اقلیمی بر کودکان نیز حائز اهمیت است. اقدامات کاهش دهنده باید مطابق با بهترین علم موجود اتخاذ شود و دولت ها برای تعیین مناسب بودن اقدامات کاهش دهنده خود باید معیارهایی از جمله آنکه اقدامات کاهش دهنده بر اساس اصول برابری و مسئولیت مشترک اما متفاوت و قابلیت های مربوطه دولت ها باشد، اقدامات مذکور باید کوتاه مدت و فوری در نظر گرفته شود و همچنین این اقدامات در راستای کاهش انتشار گازهای گلخانه ای و نه تنها حذف کربن دی اکسید در جو متکی باشد را در نظر گیرند.

از دیگر رهنمودهای کمیته آن است که دولت ها باید سرمایه گذاری و استفاده از کربن خنثی را به ویژه توسط شرکت های دولتی تشویق کنند و مشارکت های دولتی و خصوصی را به سمت دسترسی به فناوری های تجدید پذیر و ارائه محصولات و خدمات انرژی پایدار سوق دهند. همچنین دولت ها باید اطمینان حاصل کنند که تعهدات آنها تحت توافقنامه های تجاری یا سرمایه گذاری، تعهداتی را بر عهده سرمایه گذاران گذاشته تا بررسی های لازم را جهت احقاق حقوق کودکان در ارتباط با محیط زیست انجام می دهند.

در ارتباط با سرمایه گذاری های اقلیمی نیز تامین کنندگان مالی بین المللی و دولت های دریافت کننده باید متعهد شوند که رویکرد مبتنی بر حقوق کودک را بر سازو کارهای مربوطه اعمال می کنند.

حال باید دید واکنش دولت ها به یافته های کمیته حقوق کودک چه خواهد بود و در عمل چگونه این نظریه عمومی می تواند زمینه ساز حمایت و تضمین حقوق کودکان در برابر تغییرات آب و هوایی باشد.

منبع: انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل
نویسنده مقاله: محیا رحمت الهی - دانشجوی
کارشناسی ارشد حقوق بین الملل دانشگاه
علامه طباطبایی



کشف مومیایی هایی با زبان هایی از طلا

باستان شناسان مصری با کاوش در بخشی از گورستان «قویسنا» در استان «منوفیه» چند مومیایی کشف کردند که در دهان شان زبان هایی از جنس طلا قرار داشت.

مصریان باستان به این دلیل زبانی از جنس طلا در دهان مومیایی قرار می دادند که فرد متوفی بتواند در جهان پس از مرگ با «آزیریس»، ایزد جهان زیرزمین و زندگی پس از مرگ در اساطیر مصر باستان ارتباط برقرار کند.

منبع: کانال عجایب جهان

بحران سودان در طی سال‌های متمادی

با بسیاری از مقامات دولتی و امنیتی، زنان، سازمان‌های مردم نهاد و گروه‌های سیاسی دیدار کرد و بر ضرورت مشارکت آنان در مذاکرات صلح تأکید نمود.

متاسفانه در ۲۵ اکتبر ۲۰۲۱، نیروهای مسلح، طی کودتایی اقدام به بازداشت نخست وزیر عبدالله حمدوک و تعدادی از وزیران، مقامات و رهبران سیاسی غیر نظامی کردند. عبدالفتاح البرهان، فرمانده نیروهای مسلح سودان، وضعیت فوق العاده اعلام کرد و موادی از قانون اساسی را به حالت تعلیق درآورد. او متعهد شد تا جولای ۲۰۲۳ انتخابات برگزار کند. کودتای نظامی و اوضاع سیاسی و امنیتی آشفتگی حاصل از آن، بر عملکرد UNITAMS تأثیر منفی گذاشت و ادامه کار این نهاد را با چالش‌های جدی مواجه نمود.

در مجموع می‌توان گفت مأموریت UNITAMS در چارچوب سازمان ملل متحد و با هدف مساعی جمیله و میانجیگری برای کمک به مذاکرات منتهی به فرایند گذار سیاسی در سودان و کمک‌های فنی به روند تدوین قانون اساسی، حمایت از حقوق بشر، حاکمیت قانون و حمایت از فرایندهای صلح و اجرای موافقت نامه صلح آینده از طریق مذاکره با طرفین درگیری، مشارکت دادن جامعه مدنی و خلع سلاح ایجاد شد. مطالعه گزارش‌های متعدد دبیر کل حاکمی از آن است که علیرغم وجود چالش‌های جدی به نظر می‌رسد اقدامات UNITAMS توانست مشارکت و توجه جامعه مدنی و ذینفعان سیاسی و مردم خسته از جنگ و خشونت را جلب کند و حرکتی آرام و تدریجی به سمت صلح و دموکراسی را شروع کند اما کودتای نظامی ۲۵ اکتبر ۲۰۲۱ مجدداً به خشونت دامن زد؛ به گونه‌ای که بسیاری از فعالان سیاسی را مجبور به مخفی شدن نمود و بر فقر و گرسنگی و نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه و حتی خشونت‌های جنسی افزود. این وضعیت ادامه داشت تا اینکه با آغاز دوباره درگیری‌ها در ۱۵ آوریل ۲۰۲۳ بین ارتش به فرماندهی عبدالفتاح البرهان و نیروهای واکنش سریع به فرماندهی حمیدتی، سودان در آستانه یک تنش بزرگ قرار گرفت. به زعم برخی، وضعیت موجود ممکن است یک جنگ داخلی فاجعه بار به همراه داشته باشد.

بحران موجود به وضعیت ناامید کننده‌ی غیر نظامیان دامن می‌زند. لذا شورای امنیت خواستار دسترسی بدون مانع به کمک‌های بشردوستانه برای مردم سودان است و مأموریت UNITAMS نیز تمدید و مورد تأکید مجدد قرار گرفت. بدیهی است مردم سودان همواره بزرگترین قربانی این جنگ‌ها هستند. مردمی که در سایه کودتاهای پی در پی و عدم وجود یک دولت کارآمد، دهه‌های طولانی است روی آرامش را ندیده‌اند و درگیری‌های اخیر نیز تلاش‌های مثبت و سازنده سازمان ملل برای دستیابی به صلح و دموکراسی را با آینده‌ای مبهم مواجه نموده است. امید آنکه بذریه صلحی که طی سال‌های اخیر توسط برخی سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد کاشته شده بتواند در ادامه مانع بروز فاجعه انسانی در سودان کشور گردد.

منبع: انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل

نویسنده مقاله: علی میر احمدی - پژوهشگر روابط بین‌الملل
۱۶/۰۳/۱۴۰۲

قانون اساسی به ویژه مقرراتی که حقوق زنان و توافق نامه‌های صلح آینده را تضمین می‌کند.

ب) - حمایت از فرایندهای صلح و اجرای موافقت نامه صلح آینده از طریق:

۱- ارائه مساعی جمیله و حمایت از مذاکرات صلح سودان، حمایت از مشارکت معنادار جامعه مدنی، زنان، جوانان، پناهندگان و آوارگان؛ و ۲- در صورت درخواست طرفین مذاکره، حمایت از اجرای هر گونه توافق نامه صلح آینده، حمایت از مسؤلیت پذیری و عدالت انتقالی در زمینه خشونت مبتنی بر جنسیت، خلع سلاح و ایمنی رزمندگان سابق اعم از زنان و مردان همچنین کودکان، به علاوه نظارت و راستی‌آزمایی آتش بس‌های احتمالی با تمرکز ویژه بر دو منطقه نیل آبی و کردوفان جنوبی.

ج) کمک به ایجاد صلح، حفاظت غیر نظامیان و حاکمیت قانون به ویژه در دارفور، نیل آبی و کردوفان جنوبی از طریق:

۱- حمایت از ایجاد صلح به ویژه پیشگیری از درگیری و کاهش آن، آشتی مجدد و کاهش خشونت با تمرکز بر درگیری‌های قومیتی و راه‌حل‌های پایدار برای آوارگان داخلی و پناهندگان و بازگشت ایمن، داوطلبانه و با عزت آنها؛ ۲- کمک، مشاوره و حمایت از ظرفیت دولت سودان برای گسترش حکومت غیر نظامی فراگیر، به ویژه از طریق تقویت حاکمیت قانون؛ ۳- کمک، مشاوره و حمایت از دولت سودان برای ایجاد یک محیط امن و با ثبات که در آن هرگونه توافق صلح آینده بتواند اجرا شود از طریق حمایت مؤثر از مقامات ملی و محلی و تسهیل میانجیگری در بحران؛ و ۴- تقویت حمایت از حقوق بشر به ویژه حفاظت از زنان و کودکان در برابر خشونت جنسی و جنسیتی، نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی، حقوق بین‌الملل، حقوق بشر و حقوق پناهندگان، اجرای چارچوب‌های همکاری بین سازمان ملل متحد و دولت سودان در مورد خشونت جنسی. و سرانجام

د) حمایت از بسیج کمک‌های اقتصادی و توسعه و هماهنگی کمک‌های بشردوستانه

شورای امنیت از دبیر کل درخواست نمود به سرعت یک نماینده ویژه در سودان و همچنین رئیس مأموریت UNITAMS منصوب نماید تا وی جهت گیری راهبردی برای تمامی فعالیت‌های UNITAMS و کارگزاری‌های ملل متحد و صندوق‌ها و برنامه‌ها در سودان را فراهم نماید. همچنین مقرر می‌نماید که یک معاون نماینده ویژه به عنوان هماهنگ کننده مقیم سازمان ملل متحد و هماهنگ کننده امور بشردوستانه منصوب شود و همچنین مقرر می‌دارد همکاری بین UNITAMS و گروه ملی یکپارچه سازمان ملل متحد توسط یک چارچوب راهبردی پشتیبانی شود.

باید توجه داشت که آغاز به کار UNITAMS در سودان در دوره دولت انتقالی صورت گرفت و این دولت همکاری خوبی را برای تحقق اهداف این نهاد انجام داد. دولت انتقالی در ۵ جولای ۲۰۲۰، کمیته اجرایی برای هماهنگی با UNITAMS را تشکیل داد و در پی آن، گروه برنامه ریزی

قطعنامه شورای امنیت مبتنی بر ۳۴ گزارش دبیر کل از روند اجرای این مأموریت شش ساله طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱ گردید. پس از برگزاری همه پرسی مقرر در توافق نامه صلح جامع ۲۰۰۵ و رای قاطع مردم جنوب به جدایی از سودان، مأموریت UNMIS در ۹ ژانویه ۲۰۱۱ پایان یافت. برای حمایت از کشور جدید سودان جنوبی، شورای امنیت در تاریخ ۹ ژوئیه ۲۰۱۱ یک مأموریت جایگزین UNMIS در سودان جنوبی تحت عنوان مأموریت سازمان ملل برای سودان جنوبی United Nation Mission in South Sudan UNMISS برای یک دوره اولیه یک ساله ایجاد و مقرر نمود در صورت لزوم این مأموریت برای دوره‌های بعدی قابل تمدید است.

با شروع دوباره خشونت در سودان پس از تجزیه، شورای امنیت برای تسهیل گذار به حکومت دموکراتیک در سودان طی قطعنامه ۲۵۲۴ مورخ ۳ ژوئن ۲۰۲۰ به ایجاد نهاد United Nations Integrated Transition Assistance Mission in Sudan UNITAMS به عنوان یک مأموریت سیاسی خاص پرداخت تا موجبات ترغیب طرفین درگیر را برای مشارکت در گذار صلح آمیز فراهم کند. این قطعنامه با تأکید مجدد بر تمامی قطعنامه‌های قبلی در مورد وضعیت سودان، بر مبانی و دلایل ذیل برای ایجاد UNITAMS تأکید نمود.

شورای امنیت با تأکید مجدد بر تعهد استوار خود به حاکمیت، وحدت، استقلال و تمامیت ارضی سودان و با استقبال از امضای سند قانون اساسی در ۱۷ اوت ۲۰۱۹ مبنی بر ایجاد یک دولت انتقالی جدید به رهبری غیر نظامیان، از اقدامات انجام شده تا به امروز برای اجرای قانون اساسی، حمایت کرده و از همه ذینفعان برای متعهد ماندن به آرمان‌های مردم سودان در مورد آینده‌ای صلح آمیز و دموکراتیک دعوت می‌کند و بر آمادگی خود برای حمایت از سودان در این امر تأکید دارد و با توجه به نقش حیاتی اتحادیه آفریقا در حمایت از سودان برای گذار به دموکراسی و حکمرانی خوب، از تعهد در سند قانون اساسی برای تحقق صلح عادلانه و همه جانبه در سودان استقبال می‌کند. ضمناً پرداختن و رفع علل ریشه‌ای درگیری و اذعان به پیشرفت در مذاکرات صلح را ضروری می‌داند و از طرف‌های درگیر می‌خواهد برای دستیابی سریع به یک توافق صلح وارد تعامل شوند و کسانی را که هنوز وارد مذاکرات صلح نشده‌اند، ترغیب میکند این کار را فوراً و بدون پیش شرط انجام دهند.

نهاد UNITAMS به عنوان بخشی از ساختار منسجم سازمان ملل متحد، دارای اهداف راهبردی زیر می‌باشد:

الف) - کمک به انتقال سیاسی، پیشرفت به سوی حاکمیت دموکراتیک با حمایت و ارتقای حقوق بشر و صلح پایدار از طریق:

۱- کمک از طریق مساعی جمیله (good offices) به فرایند انتقال در سودان از جمله تلاش ملی برای تحقق اهداف سند قانون اساسی؛ و ۲- حمایت از اجرای حقوق بشر، برابری، پاسخگویی و حاکمیت قانون مقرر در سند

حق بر آموزش برابر و تعهدات دولت‌ها - مروری بر گزارش ۲۷ ژوئن ۲۰۲۳ گزارشگر شورای حقوق بشر

۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ میلادی را می‌توان یکی از پرچالش‌ترین دوران عصر حاضر در نقض حق بر آموزش توسط دولت‌ها نامگذاری کرد، از نقض حق بر آموزش و تحصیل زنان و کودکان در افغانستان توسط طالبان تا کودکان فلسطینی و اوکراینی و... در خلال مخاصمات مسلحانه. حق بر آموزش از حقوق بنیادین بشر است، اما در اجرای تمامی عناصر مقوم این حق، دنیا با چالش‌های بزرگی روبروست. چالش‌هایی که اگرچه به ظاهر به عمق نقض‌های فاحش حقوق بشر نمی‌نماید، اما قطعاً حفره‌هایی که در نقض آن برای بشریت ایجاد می‌شود، به بزرگی نقض فاحش حقوق بشر است که تنها نیازمند توسعه‌ی آن در راستای رسیدن همگان به اهمیت این مهم می‌باشد. در این مسیر پرتلاطم، تعهد به احترام، حمایت و ایفای کامل و فوری حق بر آموزش بر دوش دولت‌ها است. در اهمیت حق بر آموزش همین قدر بس که در سطح بین‌المللی، آموزش ابتدایی رایگان و اجباری بر دوش دولت‌ها بوده و برای اجرای آن ضرب‌الاجل تعیین شده است. در انجام و به سرانجام رساندن این حق بنیادین، دولت‌ها می‌بایست حق بر آموزش را طبق استانداردها و معاهدات بین‌المللی به رسمیت بشناسند. زیر سؤال بردن دولت‌ها در کوتاهی‌شان در ایفای حق بر آموزش علاوه بر قوانین خاص حاکم بر حق بر آموزش، از قوانین حقوق بشری عام پیروی می‌کند. در صورت نقض حق بر آموزش، بررسی رسیدگی قضایی در آن لازم می‌نماید؛ چرا که قربانی نقض حق بر آموزش تنها با دادخواهی علیه متعهدان آن به حق خود خواهد رسید.

اسناد بین‌المللی حقوق بشری این حق را در زمره‌ی حقوق فرهنگی بشر برشمرده‌اند. موضوع حق بر آموزش به‌عنوان حقی که سازنده‌ی زیربنای فهم و درک انسانی و مجرای تعیین و تحقق دیگر حقوق معنوی انسان از جمله آزادی اندیشه، آزادی بیان، آزادی عقیده و مذهب است، از جایگاهی ممتاز در میان سایر حقوق انسانی برخوردار است. براساس اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و اسناد حقوق بشری پیرو آن، حق بر آموزش که جزو حقوق فرهنگی و اجتماعی محسوب می‌شود، باید بدون هیچ‌گونه تبعیضی از حیث نژاد، جنس و مذهب ارائه شود و تعهد دولت‌ها در تحقق آن از نوع تعهد به وسیله است، که دولت‌ها مکلف‌اند با به‌کارگیری وسایل و امکانات مرتبط، متعهد به تدارک محتوای حق برای ذی‌حق به‌طور برابر و بدون هیچ‌گونه تبعیض باشند. احترام به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین بدون هیچ‌گونه تمایزی از حیث نژاد، جنسیت، زبان و مذهب از اهداف عالی منشور سازمان ملل متحد به مثابه قانون اساسی جامعه‌ی جهانی است. جهت اطمینان به حصول بر هر یک از این مقاصد، جامعه‌ی جهانی چارچوب‌هایی را ایجاد کرده است که از مجرای تعهدات بین‌المللی می‌گذرد. تعهد دولت‌ها به برابری جنسیتی در موضوع آموزش، تعهدی است که در چارچوب‌های بین‌المللی حقوق بشر به فعلیت می‌رسد. از طریق این تعهد، دولت‌ها اهمیت برابری جنسیتی در آموزش را شناسایی کرده و می‌بایست نقش آن را در توسعه‌ی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و فرهنگی تبیین کنند. با تعمق در سازوکارها و هنجارسازی‌های نظام بین‌المللی حقوق بشر می‌توان گفت که برابری جنسیتی منبعث از اصل عدم تبعیض، به عنوان مهم‌ترین اصل تمام اسناد حقوق بشری می‌گردد. افراد بشر فارغ از هرگونه بحثی، باید از حقوق بشر برخوردار باشند. حق برابری زن و مرد در برخورداری از حق آموزش و تحصیل مانند کلیه‌ی تعهدات حقوق بشری، تعهد به احترام، تعهد به حمایت و تعهد به ایفا و اجرا را به دولت‌ها تحمیل می‌کند. تعهد به احترام دولت‌ها را ملزم می‌کند که از هرگونه اقدام یا مانعی که موجب عدم برخورداری از حق آموزش برابر می‌شود اجتناب کنند. در تعهد به حمایت دولت‌ها متعهد و مکلف شده‌اند که تدابیری را اتخاذ کنند تا مانع مداخله اشخاص ثالث در اعمال برابری جنسیتی در آموزش شود و در تعهد به ایفا نیز دولت‌ها متعهد شده‌اند که اقدامات مثبتی در تأمین محتوای حق آموزش انجام دهند. تعهد دولت‌ها به برابری جنسیتی در موضوع آموزش مستلزم تعهد فوری و اقدام سریع و البته مستمر دولت‌ها در از بین بردن هرآنچه موجب تبعیض و نابرابری جنسیتی در امر آموزش می‌شود، خواهد بود. با بررسی سازوکارهای حقوق بشری می‌توان گفت که ماهیت تعهد بر برابری آموزشی تعهدی دوزوره است که نقض آن موجب طرح مسئولیت بین‌المللی برای دولت‌ها می‌شود.

نتیجه‌گیری

در مسیر احترام، تضمین و اجرای حق بر اندیشه، حقی به نام حق بر آموزش مورد شناسایی جامعه بشری قرار گرفت. توسعه و پیشرفت نظام حقوق بین‌الملل بشر، همواره مرهون سه عامل است. عامل اول، عامل هنجاری یا استانداردها است که در مجموع به تورم هنجاری رسیده است. عامل دوم، عامل نظارت است که سطوح مختلفی از جمله ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی دارد و عامل سوم، عامل فرهنگی است. در طول این سال‌ها از تأسیس مأموریت گزارشگر ویژه در مورد حق بر آموزش به طور اساسی به درکی متحول شده از حق بر آموزش و تعهدات ناشی از آن کمک شده است. تأمل در باب حق بر آموزش که توسط یونسکو پس از اجلاس آموزش و پرورش تحول‌آفرین و گزارش کمیسیون بین‌المللی آینده‌ی آموزش به رهبری یونسکو آغاز شد، می‌بایست ادامه یابد. هدف این است که مشخص گردد

گزارشگر شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در زمینه‌ی حق بر آموزش، گزارش «دستاوردها و چالش‌های رعایت حق بر آموزش در جهان» را به صورت فشرده در خلال پنجاه و سومین نشست شورای حقوق بشر در تاریخ ۲۷ ژوئن ۲۰۲۳ ارائه نمود (لینک). خانم فریده شاهد پاکستانی‌الاصل است و در گذشته، طی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۵ میلادی گزارشگر حقوق فرهنگی در سازمان ملل متحد بوده است. او اولین گزارش خود را بر اساس قطعنامه‌های ۸/۴ و ۴۴/۳ شورا در جایگاه گزارشگری حق بر آموزش به شورای حقوق بشر ارائه کرده و تلاش داشته است تا دستاوردها و چالش‌ها را در سه بخش جداگانه با عنوان چارچوب‌های نظارتی و حقوقی حق بر آموزش، محتوای حق بر آموزش و تعهدات حقوقی دولت‌ها برای تحقق حق بر آموزش مورد بررسی قرار دهد.

خانم فریده شاهد محتوای حق برخورداری از آموزش را در ۹ هدف جداگانه شامل: ۱- حق یادگیری ۲- حق یادگیری مادام‌العمر ۳- حق بر آموزش رایگان ۴- حق بر آموزش برابر و عادلانه و فراگیر ۵- حق مشارکت در زندگی آموزشی ۶- حق بر آموزش عمومی ۷- حق بر آموزش آزاد ۸- خلاصه نشدن آموزش به مدرسه و ۹- حق بر آموزش با امنیت بررسی کرده است. وی همچنین تعهدات دولت‌ها را در ۶ عنوان مجزا شامل: ۱- اجرای کامل حق بر آموزش ۲- تأمین مالی در بخش آموزش ۳- حمایت از بخش خصوصی در زمینه آموزش ۴- اجرای کامل چارچوب ۴A ۵- کنترل بر آموزش دیجیتال ۶- شناسایی نقش معلمان، تشریح کرده که مجموعه اطلاعات ارائه شده، برای کلیه‌ی تلاشگران رعایت حق بر آموزش اعم از فعالین در بخش‌های دولتی یا غیردولتی درخور توجه است.

اندیشیدن و تعقل، وجه فارق انسان از سایر موجودات عالم هستی است. قوه‌ی تعقل علاوه بر اینکه استعدادی ذاتی در انسان است، استیفای آن حقی مطلق برای کلیه‌ی انسان‌ها پدید می‌آورد که انسان بما هو انسان می‌تواند از آن بهره‌مند گردد. این استعداد، به هیچ عنوان و تحت هیچ شرایطی قابل محدودسازی نیست و به بیان بهتر این حق بشری یعنی حق آزادی اندیشه، در زمره‌ی حقوق غیر قابل عدول و تخطی محسوب می‌شود که در بند ۲ ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بدان اشاره شده است. به بیان دیگر، حق بر آموزش، از حقوق بنیادین بشر است که مانند سایر حقوق مشابه می‌بایست کلیه‌ی افراد بدون هیچ‌گونه تبعیضی از آن برخوردار شوند. این حق به طور مستقیم و غیرمستقیم در بسیاری از اسناد حقوق بشری مورد اشاره قرار گرفته و از دولت‌ها خواسته شده است که حق بر آموزش برابر را برای کلیه‌ی افراد فراهم نمایند. کلمه‌ی حق در لغت در مفاهیم مختلفی به کار رفته مانند ضد باطل و در اصطلاح حقوقی، اقتداری است که قانون به افراد می‌دهد تا عملی را انجام دهند.

حق بر آموزش از جمله حقوقی است که کمتر به اهمیت بنیادین آن توجه شده است. حق بر آموزش به یک معنا می‌تواند مدخل و پیش زمینه‌ای برای تحقق سایر حقوق باشد. دولت‌ها در زمینه‌ی حق بر آموزش، دارای تعهد به احترام، تضمین و اجرای مؤثر هستند. تضمین و اجرای این حق بنیادین از سوی دولت‌ها در اسناد پرشماری مورد شناسایی قرار گرفته است. برای مثال منشور ملل متحد در ماده‌ی ۵۵ بر همکاری در عرصه‌های فرهنگی و ترویج احترام مؤثر و جهانی به حقوق و آزادی‌های بشری بدون هیچ‌گونه تبعیض تأکید می‌ورزد که ترویج حقوق بشر در این مفهوم با آموزش حقوق بشر پیوند می‌خورد. بند نخست ماده‌ی ۲۶ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر مقرر می‌دارد: «هرکس حق دارد از آموزش و پرورش بهره‌مند شود. آموزش و پرورش حداقل تا حدودی که مربوط به آموزش ابتدایی و پایه‌ای است می‌بایست رایگان باشد.» شق الف بند ۲ ماده‌ی ۱۳ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز بر آموزش و پرورش ابتدایی و اجباری رایگان تأکید می‌ورزد. بند ۱ ماده‌ی ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز اشعار می‌دارد: «هرکس حق آزادی فکر و وجدان و مذهب دارد. این حق شامل آزادی داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات به انتخاب خود همچنین آزادی ابراز مذهب یا اعتقادات خود به طور فردی یا اجتماعی به طور علنی یا در خفا در عبادات و اجرای آداب و اعمال و تعلیمات مذهبی است.» کنوانسیون حقوق کودک به عنوان تنها معاهده حقوق بشری که دول عضو آن از اعضای سازمان ملل متحد بیشترند و در سال ۱۹۸۹ میلادی تصویب شده است، فراتر از این رفته و مقرر داشته که کشورها می‌بایست آموزش عالی را برای همه قابل دسترسی کنند. هنگامی که برنامه‌ی توسعه‌ی پایدار ۲۰۳۰ در سپتامبر ۲۰۱۵ تصویب شد، جامعه‌ی بین‌المللی این مهم که آموزش برای موفقیت هر ۱۷ آرمان توسعه‌ی پایدار ضروری است را مورد شناسایی قرار داد. به طور خاص هدف شماره ۴ توسعه‌ی پایدار، مربوط به تضمین آموزش با کیفیت، فراگیر و عادلانه و ترویج فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای همگان تا سال ۲۰۳۰ است.

نزدیک به بیست و سه سال از ایجاد مأموریت ویژه‌ی گزارشگر حق بر آموزش در کمیسیون حقوق بشر و از سال ۲۰۰۶ میلادی در نهاد جایگزین آن یعنی شورای حقوق بشر سازمان ملل می‌گذرد، اما همچنان شاهد نقض گسترده‌ی حق بر آموزش انبای بشر در عصر تکنولوژی به ویژه آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه یعنی زنان و کودکان توسط دولت‌ها هستیم. سال‌های

زندگی آموزشی، از جمله در سطح محلی، باز می‌کند و رابطه‌ی متقابل بین آموزش، علم و فرهنگ را تقویت می‌کند. حق آموزش که به عنوان حق یادگیری مادام‌العمر در سیستمی که فضاهای رسمی، غیررسمی را برای آموزش به هم پیوند می‌دهد، باید در مرکز همه تأملات منتهی به یک قرارداد اجتماعی جدید در مورد آموزش در سطح محلی، ملی و بین‌المللی قرار گیرد. هم‌اکنون نقض حق بر آموزش زنان و کودکان در جهان در سال ۲۰۲۲ و همچنین سال ۲۰۲۳، روایتی تلخ و تکان‌دهنده است که می‌بایست در مورد آن تدبیری جدی از طرف دولت‌ها و جامعه‌ی جهانی علی‌الخصوص سازمان ملل متحد صورت گیرد.

منبع: انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل
نویسنده مقاله

دکتر ستار عزیزی - استاد حقوق بین‌الملل دانشگاه بوعلی سینا؛ و محمدمهدی سیدناصری - پژوهشگر حقوق کودکان
۳۱/۰۴/۱۴۰۲

چه تغییرات عمیق و مهمی در نحوه مفاهیم و ارائه آموزش مورد نیاز است و برای نیل به این مهم لازم است نگاهی به گذشته و آینده داشته باشیم. جهت بررسی محرومیت مستمر بسیاری از افراد از سیستم‌های آموزشی با کیفیت و عدم اطمینان از نتایج یادگیری مؤثر برای افراد با موقعیت‌های مختلف، نگاهی به گذشته لازم است و برای رسیدگی به چالش‌های نوظهور، مانند افزایش دوقطبی شدن در جوامع دموکراتیک، تغییرات آب و هوا و انقلاب دیجیتال، از جمله ظهور هوش مصنوعی، نگاهی به آینده لازم است.

حق بر آموزش، همان طور که امروزه به صورت جمعی درک می‌شود، می‌بایست ستون فقرات بازنگری در مدل‌های آموزشی در نظر گرفته شود. مهم است که در برابر تغییرات مثبت‌اندیش بمانیم و در عین حال در مقابل اقدامات مضر برای آموزش مقاومت کنیم، رویکرد مبتنی بر حق بر آموزش می‌تواند اقداماتی را برای تبدیل آموزش به سمت سیستم‌های کارآمدتر و پاسخگو هدایت کند. در نظر گرفتن آموزش به عنوان یک امر عمومی و به عنوان یک منفعت مشترک، راه‌های جدیدی را جهت تضمین مشارکت کلیه ذینفعان مرتبط در

ابزارهای فرعی برای شناسایی قواعد حقوق بین‌الملل

تعرض به حقوق دولت‌ها را که قانونگذاران بی‌رقیب جامعه بین‌المللی محسوب می‌گردند، تضمین نماید. برخی دیگر نیز رویه قضایی را با وجود دولت‌های قانونگذار، شایسته قاعده‌سازی نمی‌دانستند. (حبیبی، شاملو، ۱۳۹۲، ۷۶) با این‌همه، به دلیل اهمیتی که رویه قضایی در توسعه حقوق بین‌الملل دارا بود کنار گذاردن یکسره آن از مرکب توسعه حقوق بین‌الملل غیر ممکن می‌نمود.

اما در کنار تصمیمات قضایی، دکتربین یا آموزه‌های برجسته‌ترین حقوقدانان ملل مختلف نیز ابزار فرعی دیگری هستند در جهت تبیین و تفسیر مقررات حقوق بین‌الملل، که ماده ۳۸(۱)(د) آن را به رسمیت شناخته است. گوااینکه نقش آفرینی دکتربین در ساخت و پرداخت حقوق بین‌الملل به مانند تصمیمات قضایی نیست اما بی‌تردید تأثیرگذاری آنها در تعمیق شناخت حقوق بین‌الملل و تبیین آن برای پژوهشگران، آکادمیست‌ها و البته دولت‌ها و مراجع قضایی بین‌المللی قابل توجه است. جالب اینکه گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بین‌الملل پروفیسور چارلز چرنر جالو در گزارش اخیر خود راجع به ابزارهای فرعی شناسایی حقوق بین‌الملل که کمی جلوتر بدان خواهیم پرداخت با این نظر که در سلسله مراتب منابع فرعی، تصمیمات قضائی در جایگاهی بالاتر از دکتربین حقوقی قرار می‌گیرند، مخالفت ورزیده و استناد همیشگی و بی‌وقفه دیوان بین‌المللی دادگستری به نظرات کمیسیون را در آرای مشورتی خود، شاهدهی بر این مدعا قرار داده است. حتی تا جایی پیش می‌رود که وجود امکان صدور نظرات انفرادی قضات دیوان را نشانه‌ای از احترام به دکتربین تلقی نموده است. اگرچه ممکن است بتوان نظرات گزارشگر ویژه را در این زمینه صحیح دانست، پرسشی که شاید وی در پاسخ به آن ناکام مانده، این است که در صورت تغییر رویه دیوان در استناد به گزارشها و پیش‌نویس‌های تنظیمی کمیسیون حقوق بین‌الملل، آیا می‌توان استنادی خارج از رویه عملی دیوان بین‌المللی دادگستری در صحنه‌گذاری بر اعتبار همسان دکتربین با رویه قضائی ارائه نمود؟ به عبارت دیگر، اگر رویه قضائی، به خودی خود، دکتربین را مورد استناد قرار نمی‌داد، همچنان دکتربین در سطحی یکسان با رویه قضائی قرار داشت؟

به هر روی، اکنون «تصمیمات قضایی» - حتی تصمیمات قضایی داخلی در موارد مربوطه - و «دکتربین» نه تنها ابزاری مهم برای تبیین و تفسیر مقررات حقوق بین‌الملل هستند بلکه به عنوان منبع فرعی حقوق بین‌الملل هم مورد استناد قرار می‌گیرند. لذا شناخت بیشتر آنها از هر جهت حائز اهمیت است. به همین خاطر بود که کمیسیون حقوق بین‌الملل

قواعد حقوقی و محتوای دقیق آنهاست. (Harris, ۱۹۹۸, ۵۴) (Piotrowicz and Martin Tsamenyi, ۱۹۹۸, ۸۹)

لازم به ذکر است، منظور از رویه قضایی، تصمیمات قضایی مشابه و اتخاذ راه و روش معین در بررسی و حل و فصل قضایای شبیه به هم، توسط قضات یک یا چند دادگاه است. (ذوالعین، ۱۳۸۳، ۷۱۴) و این امری اصولاً جدا و منفک از آراء منفرد قضایی است. بهرغم آن پله، نگوین کک دین و پاتریک دینه، یک رأی دستگاه قضایی بین‌المللی چنانچه به طور منفرد و مجزا لحاظ شود موجد سابقه و یا وسیله تحدید و تعریف حقوق است، اما رویه قضایی نیست. (نگوین کک دین، پاتریک دینه، آلن پله، ۱۳۸۲، ۶۴۴-۶۴۵) براونلی نیز معتقد است این مجموعه منسجمی از آراء قضایی است که در قالب رویه قضایی طبیعتاً می‌تواند نتایج مهم حقوقی را در بر داشته باشد. (Brownlie, ۱۹۹۸, ۱۹)

در ماده ۳۸(۱)(د) اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، اگرچه بجای عبارت «رویه قضایی» از واژه «تصمیمات قضایی» (Judicial Decisions) استفاده شده است که احتمالاً تصمیمات فردی دیوان را هم در بر می‌گیرد، با وجود حال، عبارت اخیر غالباً در همان مفهوم رویه قضایی بکار برده می‌شود. (Zimmermann, ۲۰۰۶, ۷۸۴) به نظر می‌رسد استفاده اساسنامه از عبارت «تصمیمات قضایی» برای این منظور صورت گرفته تا آراء منفرد را نیز شامل شود. در عمل نیز اکثر حقوقدانان آراء منفرد دیوان را به عنوان رویه قضایی شناسایی و قواعدی را که تنها در یک رأی دیوان به آنها پرداخته شده، در حوزه مقررات حقوق بین‌الملل تصدیق نموده‌اند. به عنوان نمونه، صلاحیت ضمنی سازمانهای بین‌المللی را می‌توان در نظر گرفت که از سوی دیوان فقط در رأی مشورتی «جبران خسارت ملل متحد» شناسایی گردیده است. (Cassese, ۲۰۰۱, ۲)

با این حال، همواره دولت‌هایی که نگران بودند منافع حیاتی‌شان از طریق عملکرد مستقل مراجع بین‌المللی با خطری مواجه شود، با اعطای حق ایجاد تغییر در اصول و قواعد حقوقی به قضات مخالف بودند. البته دولت‌هایی نیز بودند که در نقطه مقابل دول گروه نخست قرار داشتند و با ارائه طرح‌های متعدد، خواستار اعمال این رویه گردیدند که به عنوان مثال دیوان در مواقعی که با خلا قانونی مواجه می‌گردد به جای استنکاف از صدور رأی بتواند بر مبنای مباحثی که آن‌ها را قواعد حقوق بین‌الملل می‌داند به صدور رأی بپردازد، که این نظریات هیچگاه مورد پذیرش قرار نگرفت. چراکه برخی معتقد بودند دیوان تنها در صورتی می‌تواند به ایجاد قاعده مبادرت نماید که بتواند عدم

به موجب ماده ۳۸(۱)(د) اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، تصمیمات قضایی و آموزه‌های برجسته‌ترین حقوقدانان ملل مختلف به منزله ابزارهای فرعی جهت تعیین قواعد حقوقی تلقی می‌گردند. مقرر مزبور بسیار حائز اهمیت است از این حیث که اختیارات وسیعی را به دیوان در شناسایی و تفسیر قواعد حقوق بین‌الملل واگذار می‌کند. بدین ترتیب دادگاه جهانی به عنوان رکن قضایی جامعه بین‌المللی، با استفاده از ابزارهای فرعی صلاحیت عام شناسایی قواعد حقوق بین‌الملل عرفی و اصول کلی حقوقی و نیز تفسیر معاهدات بین‌المللی را خواهد داشت.

از این رو در این عرصه مراجع قضایی بین‌المللی می‌توانند از بهترین و موثرترین نقش آفرینان باشند. این مراجع به عنوان نهادهای رسمی حقوقی، از آنجاییکه در هنگام بروز اختلاف هر دولتی بر عقاید خود تکیه دارد، داور نهایی چنین اختلافی هستند (Roberts, ۲۰۰۱, ۷۷۲) که عملکردشان در تبیین قاعده و تعیین محتوای آن بسیار مهم است. این مسأله به ویژه در آنجا ارزش مضاعف می‌یابد که بدانیم اساساً فرایند شناسایی قواعد حقوقی امری فنی و تکنیکی است که صرفنظر از توافق یا عدم توافق دولتها می‌بایست توسط قضات بی طرف صورت پذیرد. قضاتی که همواره باید منافع جامعه بین‌المللی را مد نظر داشته باشند و این اختیاری است که دولتها خود به مراجع قضایی داده‌اند. به همین خاطر است که دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه ابراز داشته صرف این واقعیت که دولتها برخی قواعد را به عنوان قواعد عرفی اعلام میکنند برای دیوان کافی نیست که آنها را بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی قلمداد نماید. دیوان خود نیز می‌بایست متقاعد شود که وجود آن قواعد به عنوان حقوق قابل اعمال میان دولتها در عمل نیز مورد تأیید قرار گرفته است. (ICJ Reports, ۱۹۸۶, ۱۸۳)

بدین ترتیب رویه قضایی بین‌المللی - علاوه بر حل و فصل اختلافات عدیده میان دولتها و سازمانهای بین‌المللی - گنجینه‌های ارزشمند در راه یافتن شرایط شکلگیری و شناسایی قواعد حقوق بین‌الملل بحساب می‌آید. امروزه تردیدی در پذیرش این واقعیت وجود ندارد که آراء مراجع قضایی نقشی اساسی و مهم در تعیین قواعد حقوقی دارند. در واقع از آنجاییکه این قواعد (عرف و اصول کلی حقوقی) غالباً نانوشته و نامدون هستند و این امر عموماً اختلافات زیادی را میان دولتها دامن می‌زند، سپردن این وظیفه به نهادهای بی طرف که اعضاء آن را کارشناسان و متخصصان حقوق بین‌الملل تشکیل میدهند، تنها و بهترین راه حل ممکن برای جلوگیری از تداوم چنان اختلافاتی می‌باشد. بنابراین میتوان گفت که کارکرد اصلی «رویه قضایی» تعیین

نه زبان بدن که شمارو کارزماتیک و با اعتمادبنفسی نشون میده

- ۱- موقع صحبت کردن صاف بایستید و راه بروید.
- صاف نگه داشتن بدن و قوز نکردن، شانه های رو به عقب و بالا نگه داشتن سر باعث می شود به چشم دیگران با اعتماد بنفس بیایید.
- ۲- موقع ایستادن، پاهایتان را از هم فاصله بدهید.
- وقتی می ایستید و پاهایتان را به هم می چسبانید احساس عدم اطمینان و تردید را به مخاطب القا می کنید.
- ۳- تن صدایتان را پایین بیاورید.
- ۴- درست دست دادن را یاد بگیرید.
- ۵- ژست قدرتمندی به خودتان بگیرید.
- تحقیقات انجام شده نشان می دهند که کمتر از دو دقیقه بعد از اینکه شما ژست و حالت پر قدرتی به خودتان می گیرید، ترشح هورمون استرس یعنی کورتیزول در بدن شما کاهش پیدا می کند.
- ۶- تماس چشمی مثبت را با مخاطبتان حفظ کنید.
- ۷- موقع حرف زدن از دستهایتان استفاده کنید.
- ۸- لبخند بزنید.
- ۹- به موفقیت هایتان در گذشته فکر کنید،

به یاد بیاورید که در روز موفقیتتان چطور به نظر می رسید و صدا و لحن صحبت کردنتان چگونه بود. یادآوری این احساس واقعی به شما کمک می کند تا همان حالتها را به خودتان بگیرید.

منبع: کانال توسعه فردی



گردند؟ و در نهایت، سؤال اساسی که باید به آن پرداخته شود این است که آیا جهان ابزارهای فرعی فقط به تصمیمات و آموزه های قضایی واجد شرایط ترین علمای حقوق کشورهای مختلف محدود می شود یا در عوض، با در نظر داشتن ماهیت غیر جامع ماده ۳۸ اساسنامه، ابزارهای فرعی اضافی را نیز در بر می گیرد؟ نکته ای دقیق که به طرز قابل ستایشی از دید گزارشگر ویژه مخفی نمانده و در اینجا نیز قابل طرح می باشد این است که متون تولید شده توسط نهادهای دارای اختیارات دولتی یا بهتر بگوییم ایجاد شده توسط دولت، مانند کمیسیون ها، باید جدا از «آموزه های حقوقی» (دکترین) در نظر گرفته شوند. چنین متونی تحت نظارت نهادهای رسمی بوده و ممکن است منعکس کننده دخالت دولت ها و/یا نمایندگان آن ها باشد. این امر آن ها را از «آموزه های حقوقی» متمایز می کند. بنابراین، در حوزه بند ۱ ماده ۳۸ نمی گنجند. این نهادها از آنجاییکه عموماً قوانینی را ایجاد نمی کنند، اما گاهی اوقات قواعد موجود را روشن یا استنباط می کنند که می توان گفت برای دولت ها الزام آور است، می توانند ابزار فرعی برای تعیین قواعد حقوق بین الملل در نظر گرفته شوند. این همان نقطه ای است که گزارشگر ویژه ضمن جداسازی اعتبار این دسته از نظرات حقوقی از دکترین، جایگاه منابع فرعی را برای آن ها قائل گردیده است و به نظر می رسد که با توجه به بیان گزارشگر ویژه، مقصود آن است که دکترین در سلسله مراتب منابع فرعی، در جایگاهی بالاتر از این متون قرار خواهد گرفت.

در نهایت و در نتیجه گیری پایانی گزارش، گزارشگر ویژه منبع فرعی سوم را به رویه قضائی و دکترین اضافه می کند که عبارت است از هر وسیله دیگری که از رویه دولت ها یا سازمان های بین المللی ناشی می شود. به نظر می رسد که گزارشگر ویژه در پایان گزارش مفصل خود به ابهامی جدید برخورد کرده و عملاً گزارش را ناتمام گذارده است. زیرا اتکای صرف به هر آنچه که از رویه دولت ها و سازمان های بین المللی ناشی می شود، گذراهی است به شدت مبهم و مستعد تفاسیر موسع و خطرناک است که هیچ گونه سازمانی را استثنا نکرده و هیچ گونه محدوده ای را بر رویه تابعان فعال و منفعل حقوق بین الملل قائل نگردیده است.

به مانند رویه کمیسیون در گزارش مربوط به «شناسایی حقوق بین الملل عرفی» (۲۰۱۸) (Wood, ILC, ۲۰۱۸)، در گزارش حاضر نیز کمیسیون حقوق بین الملل یافته های نهایی خود را در قالب برخی نتایج (Conclusions) منتشر خواهد کرد تا دولت ها، سازمان های بین المللی، مراجع قضایی، پژوهشگران و دانشگاهیان بتوانند در امور حقوق بین المللی خود بدان توسل جویند. اکنون و در گزارش اول کمیسیون پیش نویس ۵ نتیجه را ارائه داده است که این روند در گزارش های آتی بتدریج تکمیل و نهایی خواهد شد. قلمرو و طبقه بندی ابزارهای فرعی تعیین قواعد حقوقی، معیارهای ارزیابی ابزارهای فرعی تعیین قواعد حقوقی و اشاره به تصمیمات قضایی و آموزه های حقوقی به عنوان ابزارهای فرعی شناسایی حقوق بین الملل، موضوعاتی هستند که فعلاً از سوی کمیسیون صورت بندی آنها در انتهای گزارش اول ارائه گردیده است. (Jalloh, Ibid, ۱۲۹)

منبع: انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل
نویسنده مقاله: دکتر شهرام زرنشان - دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی
۲۷/۰۳/۱۴۰۲

سازمان ملل متحد مطالعه و بررسی آنها را در دستور کار خود قرار داد. آقای جالو اولین گزارش خود در این خصوص را با عنوان «ابزارهای فرعی برای تعیین قواعد حقوق بین الملل» در جریان نشست هفتاد و چهارم کمیسیون در فوریه ۲۰۲۳ منتشر کرد. (Charles Chernor Jalloh, First report on subsidiary means for the determination of rules of international law, International Law Commission, Seventy-fourth session, February ۲۰۲۳) هدف کمیسیون از بررسی این موضوع مطالعه و تحلیل ابزارهای فرعی برای تبیین قواعد حقوق بین الملل به منظور بهبود فهم و کاربرد قواعد حقوق بین الملل است. افزایش کارایی این ابزارها در روندهای حقوق بین المللی و نیز شناسایی ابزارهای فرعی دیگر بجز تصمیمات قضایی و دکترین، از دیگر اهداف کمیسیون در این چارچوب می باشد. بزعم گزارشگر ویژه، کمیسیون باید توجه ویژه ای به تصمیمات و عملکرد نهادهای قضایی و شبه قضایی داشته باشد. وی تأیید می کند که خود کمیسیون نیز در طول چندین دهه گذشته به طور معمول به تصمیمات قضائی و آموزه های حقوقی کشورهای مختلف در تقریباً همه موضوعاتی که تکمیل کرده است، ارجاع داده و به نوعی آن ها را به رسمیت شناخته است.

آقای جالو در گزارش خود در رابطه با بازتاب هایی که ممکن است در مورد عملکرد کمیسیون در استفاده از ابزارهای فرعی برای تعیین قواعد حقوق بین الملل ارائه شود، معتقد است اولاً، دو دسته اصلی تصمیمات قضایی و آموزه های علمای حقوق که ماهیت و میزان استفاده از آن ها در کنار سایر مواد متفاوت است و تا حد زیادی به نیاز موضوع مورد بررسی بستگی دارد، کمیسیون به طور گسترده ای از آنها به منظور اجرای مأموریت خود برای کمک به کشورها در تدوین و توسعه مترقی حقوق بین الملل استفاده می کند. ثانیاً در مورد تصمیمات قضایی به عنوان ابزار فرعی، کار کمیسیون نشان می دهد که نقش های بسیار مهمی را در کمک به دولت ها در تدوین و توسعه حقوق بین الملل ایفا می کند. تصمیمات قضایی نه تنها برای شناسایی یا تأیید وجود و محتوای قواعد حقوق بین الملل مورد استناد قرار می گیرند، بلکه در برخی موارد مبنایی برای تدوین واقعی قواعد و اصول حقوق بین الملل و نیز منابع حقوق بین الملل هستند. این نشان می دهد در حالیکه اصولاً تصمیمات قضایی با عنوان «فرعی» برچسب گذاری می شوند، واقعیت موجود در عملکرد کمیسیون گویای آن است که آن ها می توانند شبیه به منابع اولیه حقوق بین الملل باشند. البته در بخش دیگری از گزارش مطرح می شود که تصمیمات آموزه های قضایی به عنوان منابع اولیه حقوقی نیستند اما «منابع» مستندی هستند که نشان می دهند دادگاه می تواند شواهدی مبنی بر وجود قواعدی که باید براساس سه منبع دیگر اعمال کند، پیدا کند. در عمل، دادگاه ها از جمله دیوان بین المللی دادگستری بیش از آموزه ها به تصمیمات قضایی قبلی خود متکی هستند. این طبیعی است. زیرا به هر حال، هیچ فایده ای برای قضات ندارد که در هنگام حل و فصل یک اختلاف جدید، چرخ را دوباره اختراع کنند! در واقع، رویه قضایی قبلی «معمولاً برای شناسایی یا تبیین یک قاعده حقوقی استفاده می شود، نه برای ایجاد چنین قاعده ای...».

در ادامه گزارشگر ویژه به این پرسش می پردازد که آیا با در نظر گرفتن تحولات رویه دولتی و رویه دادگاه های بین المللی، ممکن است ابزارهای فرعی دیگری در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان وجود داشته باشد که مستحق بررسی بیشتر توسط کمیسیون باشد؟ به عنوان مثال، آیا اقداماتی مانند اقدامات یکجانبه دولت ها و قطعنامه ها یا تصمیمات سازمان های بین المللی ممکن است به عنوان منابع تعهداتی در نظر گرفته شوند که به عنوان ابزارهای فرعی برای تعیین قواعد حقوق بین الملل محسوب

📖 هر مشکلی یه کتابی داره

اگه فکر میکنی خانوادت با تفکر یا رفتارشون بهت آسیب میزنن «والدین سمی» رابخون.
اگه میخوای کمالگرا نباشی «چگونه کمالگرا نباشیم» رو بخون.
اگه میخوای در نظر بقیه جذاب باشی و یه شخصیت کاریزماتیک داشته باشی «افسانه کاریزما» رو بخون.
اگه یه راهنما میخوای که تو مسیر عاشقی طرز برخورد درست رو نشونت بده «سیر عشق» رو بخون.
اگه تو زندگیت دنبال شادی و آرامش هستی «کتاب کوچک لوکا» رو بخون.
اگه میخوای با جادوی منظم بودن آشنا بشی و یه محیط مرتب و آروم برای خودت بسازی «خلق شادی با هنر ژاپنی» رو بخون.
اگه میخوای توی آداب معاشرت و ارتباط گرفتن با بقیه موفق و قوی باشی «مهتر مار در ارتباطات» رو بخون.
اگه نمیدونی برای رسیدن به اهداف و رویاهات از کجا و چطور باید شروع کنی «قدرت شروع ناقص» رو بخون.

فصلنامه الکترونیکی پناه مردم

مدیر مسئول، سردبیر و صاحب امتیاز:

مهندس مهدی کیان

شماره مجوز: ۸۳۵۸۳

وبسایت نشریه پناه مردم:

www.panahemardom.ir

وبسایت پایگاه خبری پناه مردم نیوز:

www.panahemardomnews.ir

طراح: فرشته زند

نشانی دفتر نشریه: تهران، تهرانپارس،

وفادار شرقی، بین ۱۳۳ و ۱۳۵ شرقی،

کوچه ۲۲۲ شرقی، پلاک ۳۱۱

۰۲۱-۷۷۱۲۸۳۶۳ - ۰۹۱۹۳۵۴۶۲۴۸

تلفکس: ۰۲۱-۷۷۵۶۷۶۵۱

ما در شبکه‌های اجتماعی با ID زیر دنبال کنید:

[@panahemardom](https://www.instagram.com/panahemardom)

صمیمانه منتظر دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات سازنده شما عزیزان هستیم.

خرید نسخه دیجیتال از وبسایت

www.jaaar.com

جاار

۳۰ روش برای کاهش استرس



۱۳. پیاده روی
۱۴. بغل کردن
۱۵. رایحه درمانی
۱۶. با خودت مهربون بودن
۱۷. پیدا کردن سرگرمی جدید
۱۸. شکرگزاری
۱۹. ابزار احساسات
۲۰. ماساژ
۲۱. پازل
۲۲. رقصیدن
۲۳. دوش آب سرد
۲۴. حرکات کششی
۲۵. مرتب کردن اتاق
۲۶. مطالعه
۲۷. انجام کار هنری
۲۸. آشپزی
۲۹. دتاکس مدیا
۳۰. وقت گذروندن تو طبیعت

۱. تحرک بدنی
۲. غذای سالم
۳. مدیتیشن
۴. دیدن برنامه های طنز
۵. فرستادن پیام برای کسی که دوستش داری
۶. تمرین "نه گفتن"
۷. یوگا
۸. نوشتن افکار و احساسات
۹. خواب کوتاه
۱۰. انجام کار خلاقانه
۱۱. موزیک آرام بخش
۱۲. تنفس عمیق

منبع: کانال توسعه فردی



آتشکده شهر آمل در مازندران، این ساختمان در دوره ساسانی بنا شده و در محله پایین بازار آمل واقع شده است، این اثر در ۶ اردیبهشت ۱۳۵۴ در لیست آثار ملی ایران ثبت شده است.